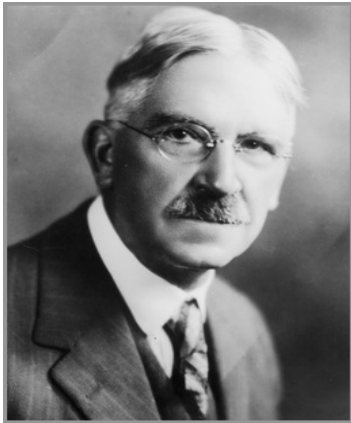


دکتر محمد آرماند^۱



«ما باید هر یک از مدارسمان را شکل اولیه و تکامل نیافته زندگی اجتماعی در نظر بگیریم که در آن انواعی از فعالیت‌ها که منعکس‌کننده زندگی در جامعه بزرگ‌تر هستند و حامل روح هنری، تاریخی و علمی آن جامعه‌اند جریان داشته باشد»^۲

John Dewey (1859-1952)

مقدمه

جان دیویی از مشاهیر بزرگ عصر حاضر است و فصلی از کتاب پنجاه متفکر بزرگ تعلیم و تربیت^۳ به وی اختصاص یافته است. همین‌طور در مجموعه مریدان بزرگ که از سوی دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت یونسکو منتشر شده است^۴ نام او در زمره مریدان بزرگ است. نظرات دیویی چه در طول حیات وی و چه پس از آن توسط محققان مورد تعبیر و تفسیر و نقد و بررسی قرار گرفته است و مطالب فراوانی درباره او چه آنچه خود ارائه کرده و یا دیگران بیان کرده‌اند وجود دارد. برخی از آثار ارزشمند او به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. در این مقاله زندگی‌نامه و آثار جان دیویی و اندیشه‌های مهم او در حوزه مطالعات برنامه درسی به اختصار بیان شده است.

زندگی‌نامه

دیویی در سال ۱۸۵۹ در برلینگتون، ورمونت متولد شد و در دانشگاه ورمونت به تحصیل پرداخت، دیویی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه ورمونت در سال ۱۸۷۹ به تدریس زبان لاتین، جبر و علوم در مدرسه عالی اوایل سیتی^۵ پرداخت و مدت کوتاهی نیز در مدرسه روستایی در نزدیکی برلینگتون معلم بود. در طول این سال‌ها سه مقاله فلسفی تألیف کرد که برای چاپ در نشریه «فلسفه نظری» پذیرفته شدند، موفقیت‌های وی در این زمینه موجب شد تا مطالعات خود را در این زمینه‌ها ادامه دهد و سپس در رشته فلسفه در دانشگاه جان هاپکینز ثبت‌نام کرد.

پس از اینکه دیویی از رساله دکترای خود با عنوان روانشناسی امانوئل کانت در سال ۱۸۸۴ دفاع کرد به‌عنوان مدرس در فلسفه و روانشناسی در دانشگاه میشیگان مشغول به کار شد. در سال ۱۸۸۸ این دانشگاه را ترک و به دانشگاه مینه‌سوتا رفت؛ اما پس از یک سال دوباره به دانشگاه میشیگان برگشت. در سال ۱۸۹۴ ریاست گروه فلسفه، روانشناسی و تعلیم و تربیت در دانشگاه شیکاگو به وی واگذار شد.

mohammadarmand@yahoo.com

۱. استادیار مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت

۲. دیویی، جان (۱۸۸۹) مدرسه و جامعه، انتشارات دانشگاه شیکاگو، ص ۳۹.

3. Palmer, joy, A & others. (2001) fifty major thinkers on education, from Confucius to Dewey, routledge.

4. <http://www.ibe.unesco.org/fileadmin/userupload/archive/publications/ThinkersPdf/deweey.PDF>

5. Oil city

در دانشگاه شیکاگو دیویی برای سنجش و بررسی و توسعه نظرات فلسفی و تربیتی خود مدرسه‌ای آزمایشگاهی تأسیس کرد. در حال به علت مشاجره‌ای که بین دیویی و رئیس دانشگاه به وجود آمد دیویی در سال ۱۹۰۴ از دانشگاه شیکاگو استعفا داد و استادی فلسفه در دانشگاه کلمبیا به وی پیشنهاد گردید و به دنبال آن ارائه سخنرانی در دانشگاه‌های مهم به وی پیشنهاد شد. در سال ۱۹۳۰ در دانشگاه کلمبیا بازنشسته شد.

دیویی در طول زندگی خود به‌طور فعال در فعالیت‌های مختلف تربیتی، اجتماعی و سیاسی شرکت داشت. مثلاً عضو آکادمی ملی علوم بود و در تأسیس انجمن استادان دانشگاه در آمریکا نقش داشت. همچنین در تأسیس دانشکده‌ای جدید برای تحقیقات اجتماعی فعالیت کرد و عضو مؤسس اولین معلمان در شهر نیویورک بود. ایشان نویسنده دائمی تعدادی از نشریات بود و در طول دهه ۱۹۳۰ ریاست گروه ائتلافی از کارگران و کشاورزان و افراد طبقات متوسطه را عهده‌دار بود. علاوه پیشرو مکتب پیشرفت‌گرایی نیز بود. جان دیویی در اول ژوئن سال ۱۹۵۲ میلادی در سن ۹۳ سالگی دار فانی را وداع گفت.^۶

آثار مهم دیویی

بزرگ‌ترین میراث دیویی مقالات فراوان و کتاب‌هایی است که تألیف کرده است. مهم‌ترین کتاب‌های دیویی به شرح زیر است:^۷

- طرح یک نظریه انتقادی در اخلاق (۱۸۸۱).
- عقاید آموزشی من (۱۸۹۷).
- مدرسه و جامعه (۱۹۰۰).
- کودک و برنامه درسی (۱۹۰۲).
- مطالعاتی در نظریه منطقی (۱۹۰۳).
- علاقه و کوشش در تعلیم و تربیت (۱۹۱۳)
- فلسفه و سیاست آلمان (۱۹۱۵)
- مردم‌سالاری و تعلیم و تربیت (۱۹۱۶)
- بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)
- تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)
- اجتماع و مشکلات آن (۱۹۲۷)
- در جستجوی یقین (۱۹۲۹)
- فلسفه اصالت فرد، قدیم و جدید (۱۹۳۰)
- هنر به‌منزله تجربه (۱۹۳۴)
- تجربه و آموزش (۱۹۳۸).
- منطق: نظریه تحقیق (۱۹۳۸).

وست بروک (Westbrook, Robert) آثار دیویی را به سه دسته تقسیم کرده است که فهرست آن در پیوست است

۶. زندگی نامه دیویی از منبع اقتباس شده است

- Palmer, joy, A. (2001) fifty major thinkers on education, from Confucius to Dewey, routledge
7. Westbrook, Robert B(1993)

نظرات دیوبی درباره فلسفه و مردم‌سالاری حائز اهمیت است، به عقیده دیوبی وظیفه فلاسفه تنها پرداختن به امور نظری نیست بلکه نقادی اجتماعی است. او به ایجاد و گسترش مردم‌سالاری در جامعه‌ای که در آن سطح اخلاق و مسائل معنوی تنزل می‌کرد تأکید داشت. برای دیوبی مردم‌سالاری به معنی واقعی، مختص حکومت و امری تشریفاتی نیست بلکه فرآیندی پویا و مربوط به فعالیت روزانه در جنبه‌های گوناگون از جمله فرهنگ، اقتصاد و به‌طور کلی جنبه‌های مختلف زندگی را در برمی‌گیرد (پالمر ۲۰۰۱ ص ۱۹۶).

آنچه در جامعه دموکراتیک مورد توجه دیوبی است، عمل‌گرایی است که در کلیه کارهای او تجلی دارد. دیوبی بر این باور بود که ارزش هر عقیده با مفید بودن آن در زندگی معلوم می‌شود، هر عقیده و هر عمل در متن و زمینه‌ای خاص ممکن است برای افراد و جامعه کارآمد یا ناکارآمد باشد. دیوبی مخالف اصول قطعی و مسلم و شیوه‌های تحمیلی بود؛ زیرا برخی چیزهایی که خوب تلقی شده است در حین اجرا ممکن است کمکی به مردم‌سالاری و رشد جامعه نکند، فقط باید به نقد و بررسی عقلانی درباره مسائلی پرداخت که برای فرد و جامعه به وجود می‌آید (پالمر ۲۰۰۱). دیوبی بر ماهیت اخلاقی و اجتماعی مدارس تأکید می‌کرد و عقیده داشت که مدرسه باید نمونه کوچکی از جامعه بزرگ‌تر باشد، به ویژه موجب پرورش روح مردم‌سالاری شود که جامعه صنعتی شهری آن را تضعیف می‌کند (پالمر ۲۰۰۱ ص ۱۹۶). این نظر در مقابل الگوی نظام سنتی رایج که برنامه‌ریزان و متخصصان در آموزش پیاده می‌کردند و در آن دانش‌آموزان به عنوان ماده خام تلقی می‌شدند که باید توسط معلمان شکل و قالب خاصی به خود می‌گرفتند، بسیار حائز اهمیت است.

از نظر دیوبی **تعلیم و تربیت** تجدیدنظر در تجربیات و تشکیل مجدد آن‌هاست به طوری که این تجربیات با توجه به امکانات تازه، معنی بیشتری پیدا کنند و به فرد برای هدایت تجربیات بعدی و پیش‌بینی نتایج آن‌ها کمک نمایند (شریعتمداری ۱۳۸۸ ص ۵۰). از نظر وی آموزش و پرورش چهار ویژگی دارد:

- آموزش و پرورش عین زندگی است، نه آماده شدن برای زندگی
- آموزش و پرورش همان راهنمایی دانش‌آموز و حمایت از رشد طبیعی او است .
- کارکردی اجتماعی است و در اجتماع و برای اجتماع صورت می‌گیرد .
- آموزش و پرورش عمل است؛ عملی که بر انگیزه و نیاز دانش‌آموز استوار است که توسط خود او و با یاری و راهنمایی مربی صورت می‌گیرد. (کاردان ۱۳۸۱ ص ۲۲۶)

برنامه درسی از نظر دیوبی محدود به فضای درون مدرسه و همه فعالیت‌های از پیش طراحی شده نیست بلکه یادگیری در هر جا که دانش‌آموزان باشند صورت می‌گیرد، از نظر دیوبی برنامه درسی یک مدرسه مطلوب، برنامه‌ای است که در آن دانش‌آموزان با محتوا در تعامل باشند. (سیمپ سون ۲۰۱۳) همچنین با تجارب شخصی کودک رابطه مستقیم داشته باشد، به رشد هوشی او، یعنی فهم و ابداع که هدف عالی آموزش و پرورش است کمک کند، مهارت‌های عملی لازم را در زندگانی دانش‌آموز به وجود آورد. (کاردان ۱۳۸۱ ص ۲۲۹)

از نظر دیوبی **هدف آموزش و پرورش** رشد^۸ یا همانا بازسازی تجربه^۹ است به گونه‌ای که به هدایت و کنترل تجربه‌های بعدی بینجامد (گوتک ۱۳۹۱ ص ۱۴۸). از نظر وی تعلیم و تربیت هدفی ماورای خود ندارد یعنی هدف تعلیم و تربیت خود تعلیم و تربیت است، از نظر دیوبی با توجه به اینکه تجدیدنظر در تجربیات و تشکیل مجدد آن‌هاست که این خود هدف تعلیم و تربیت نیز هست (شریعتمداری ۱۳۸۸ ص ۱۷۳).

بر این اساس از نظر دیویی معلم نباید دقت خود را صرف موضوعات درسی به خاطر خود آن موضوعات بنماید بلکه باید روابط و تأثیر متقابل این موضوعات و احتیاجات و استعدادهای شاگردان را در نظر داشته باشد (شریعتمداری ۱۳۸۸ ص ۲۱۱) از نظر دیویی برنامه درسی باید مبتنی بر مسائل عمده زندگی باشد، در این صورت است که رغبت و علاقه دانش‌آموزان به مطالب بیشتر می‌شود (شریعتمداری ۱۳۸۸)

کودک محور بودن تعلیم و تربیت، مورد توجه دیویی است از نظر وی نیازها و علایق کودک باید مورد توجه باشد، بر این اساس دیویی از مدارس آن زمان انتقاد می‌کرد زیرا در آن‌ها سکوت بر دانش‌آموزان حاکم بود و علائق و تجارب دانش‌آموزان مورد غفلت قرار گرفته بود و در آن از همه دانش‌آموزان می‌خواستند کتاب‌های مشابه را بخوانند و درس‌های همانند را پس دهند و **ارزیابی و امتحان** بجای دانش و تجارب مربوط به زندگی دانش‌آموزان، بیشتر متکی بر محفوظات ذهنی بود. در چنین شرایطی انگیزه‌های اجتماعی کودکان رشد نمی‌کند (وست بروک ۲۰۰۱) از نظر دیویی به جای توجه به محفوظات ذهنی باید تجربه و بازسازی آن مورد توجه قرار گیرد که در فرایند آن علم و عمل توأم هستند.

از نظر دیویی در انتخاب و سازمان‌دهی مواد درسی باید: محتوای مواد درسی از قبیل حساب، تاریخ، جغرافیا یا علوم طبیعی در ابتدا باید از تجربیات عادی زندگی افراد انتخاب شود؛ تجربیاتی را که فرد کسب کرده است باید غنی ساخت و آن‌ها را گسترش داد و به تدریج این‌گونه تجربیات را به رشته‌های علمی مربوط ساخت؛ در موقع گسترش دادن تجربیات فردی، مربوط ساختن آن‌ها با تجربیات علمی باید اصل ارتباط و پیوستگی را در نظر گرفت؛ باید قوانین و حقایق علمی را ضمن آشنا ساختن شاگردان به موارد استعمال اجتماعی این قوانین در زندگی روزمره، به آن‌ها معرفی کرد.

در زمینه روش آموزش و پرورش دیویی با روش‌های معمول انتقال اطلاعات مخالف است، روش پیشنهادی او حل مسئله است. آموزش و پرورش باید تفکر محور باشد و روشی ارزشمندتر است که کودک را به تفکر وادارد، معلم هنگامی در کاربرد روش حل مسئله موفق است که دانش‌آموز را به درک و فراگیری موضوع درس علاقه‌مند سازد. (کاردان ۱۳۸۱ ص ۲۲۷)

بنابراین بهترین روش آموزش از نظر دیویی روش حل مسئله است که با بکارگیری این روش فرد قادر به حل مسائل در زندگی فردی و اجتماعی می‌گردد. این روش دارای شش مرحله است (شریعتمداری ۱۳۸۸): بیان مسئله، جمع‌آوری معلومات، پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب، آزمایش راه‌حل‌ها، انتخاب راه‌حل مناسب و استنتاج. **ارزشیابی** از نظر دیویی به جای متکی بودن بر محفوظات باید فرایند محور بوده و بر فعالیت‌های عملی متکی گردد.

از نظر دیویی نه تنها آموزش همگانی در جامعه در حال تغییر بسیار دارای اهمیت است بلکه تعلیم و تربیت یک نیاز اساسی است و مدرسه بجای آماده کردن فرد برای زندگی، خود زندگی است؛ بنابراین بهترین شیوه برای ایجاد مردم‌سالاری فراهم کردن موقعیت برای دانش‌آموزان و معلمان برای درگیر شدن فعالانه در زندگی مردم‌سالاری است. دیویی بر این عقیده بود که **نقش معلمان** کمک به دانش‌آموزان جهت رشد عقلانی و آموزش تجارب به آن‌هاست. (شریعتمداری ۱۳۸۸). بنابراین وظیفه معلم کمک به دانش‌آموز در تجدیدنظر در تجارب و کسب تجارب جدید است. در جریان آموزش معلم نقش راهنما را بر عهده دارد و وظیفه او راهنمایی متعلمانی است که به مشورت و کمک نیازمندند (گوتک ۱۳۹۱).

دیویی در دفاع از جامعه پیشرو در طول عمر خود ثابت‌قدم باقی ماند، او دیدگاه سنتی فرهنگ اشرافی و نابرابری حاکم بر آن را محکوم می‌کرد و در مقابل از فرهنگ و زیباشناسی به عنوان تجربه همگانی دفاع می‌کرد و به جای مدرسه جدا از زندگی اجتماعی، او از نقش مهم آن در کمک به تغییر جامعه به جامعه‌ای بهتر دفاع می‌کرد (پالمر ۲۰۰۱).

به عقیده دیویی در آموزش باید موقعیتهایی فراهم شود تا دانش‌آموزان خود رهبری^{۱۰} را یاد بگیرند و احساس مسئولیت کنند و در جامعه توانایی‌های لازم از جمله خواندن، نوشتن و حل مسئله را برای فعالیت در جامعه کسب کنند. در کلاس درس باید نوعی زندگی در جامعه دموکراتیک مورد استقبال قرار گیرد و تفکر علمی بر جامعه حاکم گردد.

توجه به مردم‌سالاری در مدارس و هر جای دیگر نشانه‌ای از اعتقاد او به مردم‌سالاری است بعلاوه اگرچه خوش‌بینی او درباره پیشرفت، آزادی، جامعه و علم ممکن است با واقعیتهای فرهنگ حاکم آن زمان تناسب کامل نداشته باشد و در همه‌جا به‌طور کامل اجرا نشود. ولی راه و مسیر تغییر اجتماعی و پیشرفت را نشان داده است. با انتقادات مختلف از وی، هنوز دیویی یکی از افراد برجسته در تعلیم و تربیت، فلسفه و سیاست در قرن بیستم در آمریکا به‌شمار می‌رود و جایگاه رفیع کارهای او موجب شده که هنوز در حد وسیع مورد مطالعه قرار گیرند و در بررسی بسیاری از مسائل مورد بحث اجتماعی که مربوط به مسائل امروز هستند، مورد استفاده قرار گیرند تأثیر نظرات او در اصلاحات تربیتی ژاپن، مکزیک، ترکیه و چین خیلی مؤثر بوده است (وست بروک ۱۳۷۹ ص ۳۵۷). در ایران نیز تعدادی از آثار دیویی به زبان فارسی ترجمه‌شده و برخی صاحب‌نظران از جمله استاد دکتر علی شریعتمداری در آثار خود از جمله در کتاب جامعه و تعلیم و تربیت به تبیین اندیشه‌های دیویی پرداخته‌اند.

ممکن است با برخی از نظرات او از جمله در خصوص ملاک مفید بودن هر نظریه و فعالیت به‌شرط مفید بودن در عمل و نسبی تلقی کردن امور موافق نباشیم، اما نکته مهم این است که دیویی برای تبیین بسیاری از مسائل اساسی و مهم تلاش‌های ارزنده‌ای کرده از جمله برنامه درسی کودک محور، یادگیری مبتنی بر تجربه، نقش معلم به عنوان راهنما، وجود ارتباط بین مدرسه و جامعه و نگاه به مدرسه به عنوان مکانی برای تمرین مردم‌سالاری و فعالیت‌های اجتماعی و بکارگیری روش حل مسئله در آموزش که بسیار حائز اهمیت بوده است؛ و این‌ها را باید خوب فهمید و برای تکمیل آن‌ها گام برداشت.

پیوست: دسته‌بندی آثار دیویی:

- *The early works of John Dewey, 1882-1898;*
- *the middle works of John Dewey, 1899-1924;*
- *The later works of John Dewey, 1925-1953.*
- My pedagogic creed. 1897, *Early works*, vol. 5, p. 84-95.
- The school and society. 1899. *Middle works* vol. 1, p. 1-109.
- The educational situation, 1901. *Middle works*, vol. 1, p. 257-313.
- The child and the curriculum. 1902. *Middle works* vol. 2, p. 271-291.
- Moral principles in education. 1909. *Middle works* vol. 4, p. 265-291.
- How we think 1910. *Middle works*, vol. 6, p. 177-356.
- Interest and effort in education. 1913. *Middle works* vol. 7, p. 151-97.
- Schools of tomorrow, with Evelyn Dewey. 1915. *Middle works* vol. 8, p. 205-404.
- Democracy and education. 1916. *Middle works* vol. 9, p. 1-370.
- Education and politics. 1922. *Middle works*, vol. 13, p. 329-34.
- The sources of a science of education. 1929. *Later works*, vol. 5, p. 1-40.
- The way out of educational confusion 1931. *Later works*, vol. 6, p. 75-89.

- How we think (Expanded and revised edition.) 1933. *Later works*, vol. 8, p. 105-352. Experience and education. 1938. *Later works*, vol. 13, p. 1-62. See also: Reginald D.
- Archambault (ed.) *John Dewey lectures in the philosophy of education*, 1899. New York, NY, Random House, 1966;

And two useful anthologies of Dewey's educational writings:

- Joseph Ratner. (ed.) *Education today*. New York, NY, Putnam, 1940; and Reginald.
- Archambault (ed.) *John Dewey on education*. Chicago, IL, University of Chicago Press, 1974.

A helpful roadmap to the whole of Dewey's philosophy is:

- Jo Ann Boydston. (ed.) *Guide to the works of John Dewey*. Carbondale, IL, Southern Illinois University Press, 1970.

منابع

Palmer, J., Bresler, L., & Cooper, D. E. (Eds.). (2001). *Fifty Major Thinkers on Education: From Confucius to Dewey*. Psychology Press.

Martin, J. (2002). *The education of John Dewey: A biography*. Columbia University Press.

Simpson, Douglas j.(2013) using Dewey's curriculum theory to analyze, evaluate, and reconstruct educational entities, *journal of philosophy & history of education*,vol63,no1.

Westbrook, Robert B(1993) *JOHN DEWEY*, available at:

http://www.ibe.unesco.org/fileadmin/user_upload/archive/publications/ThinkersPdf/dewey.PDF

اولیچ، رابرت. (۱۳۹۰). *مربیان بزرگ (تاریخ اندیشه‌های تربیتی)* ترجمه دکتر علی شریعتمداری. انتشارات سمت.

شریعتمداری، علی. (۱۳۸۸). *جامعه و تعلیم و تربیت، مبانی تربیت جدید*. انتشارات امیرکبیر.

مایر، فردریک. (۱۳۷۴). *تاریخ اندیشه‌های تربیتی جلد دوم*، ترجمه علی اصغر فیاض. انتشارات سمت.

کاردان، علی محمد. (۱۳۸۱). *سیر آراء تربیتی غرب*. انتشارات سمت.

گوتک جرال. (۱۳۹۱). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، ترجمه محمدجواد پاک سرشت. انتشارات سمت

وست، بروک، رابرت. (۱۳۷۹). *جان دیویی*، ترجمه علی شریعتمداری. نمای تربیت، شماره ۴.

منابعی برای مطالعه بیشتر

دیویی، جان (۱۳۶۹) *تجربه و آموزش و پرورش*، ترجمه دکتر سید علی اکبر میر حسنی، مرکز ترجمه و نشر کتاب.

دیویی، جان (۱۳۶۸) *منطق تئوری تحقیق*، ترجمه دکتر علی شریعتمداری، انتشارات دانشگاه تهران.

Archambault, R. D. (Ed.). (1966). *Dewey on education: Appraisals*. Random House.

Baker, M. C. (1955). *Foundations of John Dewey's educational theory*. King's Crown Press, Columbia University.

Brickman, W. W., Lehrer, S., & Brickman, W. W. (Eds.). (1959). *John Dewey: master educator*. Society for the Advancement of Education.

Childs, J. L. (1956). *American pragmatism and education*

Coughlan, N. (1975). *Young John Dewey: an essay in American intellectual history*. Chicago: University of Chicago Press.

Cremin, L. (1876). *The transformation of the school. Progressivism in American education, 1876-1957* New York Alfred A Knopf.(1988). *American education: the metropolitan experience, 1980*.

Curti, M. E. (1959). *The social ideas of American educators* (p. 230). Pageant Books.

Dykhuisen, G. (1975). *The life and mind of John Dewey*, Carbondale. IL, Southern Illinois. University Press.

Hendley, B. P, Plochmann, G. K., & Brumbaugh, R. S. (1986). *Dewey, Russell, Whitehead: philosophers as educators*. Carbondale, IL: Southern Illinois University Press.

Keenan. Barry. *The Dewey experiment in China: educational reform and political power in the early republic* Cambridge. MA, Harvard University Press, 1977.

Kliebard. HerbertM. *The struggle for American curriculum. 1893-1958*. Boston. MA, Routledge & Kegan Paul. 1986.

Mayhew, K. C., & Edwards, A. C. (1966). *The Dewey School*. New York: Atherton Press.

Rockefeller, S. (1994). *John Dewey: Religious faith and democratic humanism*. Columbia University Press.

Westbrook, R. B. (Ed.). (1991). *John Dewey and American Democracy*. Cornell University Press.